

عنوان مقاله:

بررسی نظریه تفسیری -تاویلی در نظام فکری میرداماد

محل انتشار:

مجله الهیات تطبیقی، دوره 9، شماره 20 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

محمد سلطانی رنای - استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

خلاصه مقاله:

میرداماد، فیلسوف، متکلم، محدث و فقیه آغاز قرن یازدهم است. هرچند آثار اندکی از او در حوزه تفسیر متن باقی مانده، بررسی این مستندات در راه شناخت شیوه های تفسیری تاویلی رایج در میان اندیشمندان مسلمان مفید است. میرداماد از سویی در مقام محدث و فقیه، در چهارچوب برآمده از لفظ و با دغدغه آشکارکردن مراد صاحب متن، دست به تفسیر می زند و از سویی دیگر، باورها و اصول اندیشه فلسفی اش در تفسیر او از متن تاثیر تعیین کننده ای دارد؛ تا جایی که پای از دایره ظاهر و قراین سخن بیرون می نهد و متن را براساس دریافت های فلسفی و حتی گاه ذوق عرفانی تاویل می کند؛ البته گاه این تاویل ها با برآمد متن سازگاری ندارد. این چندگونگی در منش هرمونتیک میرداماد چگونه و بر چه اساسی تحلیل می شود. با ارائه نمونه هایی از کتاب های میرداماد، این روش و منش، پیگیری و بررسی می شود. میرداماد گاه در مقام فقیه و محدث در چارچوب برآمد واژگان، متن را معنایابی و تفسیر می کند و گاه متن را در مقام فیلسوف و عارف و بر پایه آموزه های فلسفی و ذوق عرفانی تاویل می کند؛ درنتیجه، رویکرد میرداماد نشان دهنده طیفی از دامنه تفسیر و تاویل در دانشمندان علوم اسلامی است. میرداماد در آثارش اندکی نیز به بررسی پدیده «فهم» پرداخته است.

کلمات کلیدی:

میرداماد، تفسیر، تاویل، ظاهر لفظ، فهم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1210469>

